

حکمرانی فضای مجازی و قاعده فقهی «نفی سبیل» با تأکید بر بایسته‌های نظام جمهوری اسلامی ایران

Aghightsart@yahoo.com

سیدعلیرضا طباطبایی / دکتری حقوق عمومی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

عباس کعبی‌نسب / استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۸

چکیده

«حکمرانی فضای مجازی» از موضوعاتی است که به تازگی در علم سیاست و حقوق وارد شده است. حکمرانی فضای مجازی موجود، که در بستر اینترنت جهانی سامان یافته، یکی از مباحث پرچالش دنیای معاصر است. سرشت مکتبی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌طلبد تا با نظر به شالوده‌های فقه اسلام، وظایف حکومت اسلامی در حکمرانی فضای مجازی ترسیم گردد. اصول قانون اساسی، برگرفته از فقه پویای اسلام، حاکی از آن است که نظام جمهوری اسلامی وظایفی برعهده دارد؛ همچون: نفی هرگونه سلطه‌پذیری، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ بیگانگان، تأمین خودکفایی در زمینه علوم و فنون و صنعت، و ایجاد محیط مناسب برای رویش فضایل اخلاقی. این پژوهش با روش «توصیفی - تحلیلی» و «اجتهادی» در مقام تبیین آن است که با توجه به چیرگی بیگانگان بر فضای مجازی اینترنت محور، که در دو بستر «ساختار» و «محتوا» ترسیم می‌شود، قاعده «نفی سبیل» که در فقه اسلام و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بازتاب یافته است، تکالیف گرانی را بر دوش نظام جمهوری اسلامی در مواجهه با این پدیده نوظهور می‌گذارد که از جمله آنها، آفرینش شبکه ملی اطلاعات و پی‌ریزی نظام امامت و امت از راه هم‌افزایی با دیگر کشورهای اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: فضای مجازی، اینترنت، شبکه ملی اطلاعات، حکمرانی، نفی سبیل، وظایف حکومت اسلامی، امامت و امت.

با توجه به تعیین‌کننده بودن شناخت موضوعات در شناسایی احکام، شناخت فضای مجازی و فلسفه آن، اهمیت ویژه‌ای در نگرش به آن از منظر فقه حکومتی دارد. فضای مجازی یا «سایبر»، فضایی است که در آن واژه‌ها، پیوندها، داده‌ها، ثروت و قدرت از راه ارتباطات به‌وسیله رایانه‌ها پدیدار می‌شود. این فضا در حقیقت، ارتباط داخلی کلان افراد بشر و نیز اشیاء را - با توجه به ظهور اینترنت اشیاء - از طریق رایانه و ارتباطات راه دور، بدون نگرش به گیاتشناسی فیزیکی بر عهده دارد. بنابراین، فضای مجازی مجموعه‌هایی از ارتباطات درونی انسان‌ها از راه رایانه‌ها و سازویرگ مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی است. به دیگر سخن، فضای مجازی، امتداد اجتماع انسانی در بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات است. وجه انسانی فضای مجازی، بنیاد و مبنای آن است و از شاخصه‌هایی همچون ظرفیت جهانی، در و پنجره‌های همیشه‌باز، دیجیتال بودن، همه‌جا حاضر بودن، شبکه‌ای بودن، توانایی تعامل بافاصله و تعامل همزمان، غیر مرکزی بودن و حافظه مجازی برخوردار است که منجر به پیدایش «واقعیت مجازی» (Virtual Reality) در کنار «واقعیت فیزیکی» (Physical Reality) شده است (عاملی، ۱۳۹۰، ص ۲۴). «فضای مجازی» که مفهومی انتزاعی میان شبکه‌های رایانه‌ای است، چیزی فراتر از شبکه اینترنت است و به‌راستی، اینترنت مهم‌ترین بستری است که فضای مجازی موجود در آن سامان یافته است (www.defence.gov).

سیاست رسانه‌ای و ارتباطی بخشی از سیاست عمومی است. سیاست‌ها و گونه برخورد دولت‌ها با پدیده فضای مجازی در «ساختار» و «محتوا» با توجه به نوع حکومت‌ها نوسان دارد و سیاست‌گذاری‌های دولت‌ها با توجه به جوهره سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و مانند آنها انجام می‌پذیرد. همچنین اینکه آیا فضای مجازی موجود، بدون جهت است و ابزار تلقی می‌گردد و یا خود، دارای فرهنگ حاکمی است، مسئله‌ای تعیین‌کننده در تکلیف دولت‌ها در مواجهه با این پدیده نورسیده است.

با نگرش به درون مایه مکتبی نظام جمهوری اسلامی، باید چگونگی مواجهه خردمندانه نظام جمهوری اسلامی با حاکمیت این پدیده نوظهور، تبیین، و وظایف آن در حوزه حاکمیت، بر ساختار و محتوای فضای مجازی ترسیم گردد. بر این اساس، با توجه به گسترش فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی و رسانی و آثار چشم‌گیر آن در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، سرمایه‌گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های برآمده از آن در جهت تحقق اهداف نظام اسلامی و پیشرفت کشور لازم است؛ چنان‌که صیانت از آسیب‌های آن نیز ضرورت دارد (فرمان حکومتی رهبری در ایجاد نهاد شورای عالی فضای مجازی، اسفند ۱۳۹۰ www.khamenei.ir).

سوگمندانه باید گفت: در بیشتر پژوهش‌های انجام‌یافته، مدیریت شبکه یا راهبری اینترنت، که مهم‌ترین بستر جریان فضای مجازی موجود است، به فراموشی سپرده شده است، در حالی که نخستین و برجسته‌ترین مسئله در فضای مجازی، راهبری شبکه اینترنت است. پژوهش فرارو با گام نهادن به پدیده فضای مجازی از ساحت فقه

حکومتی، به تبیین مهم‌ترین وظایف نظام جمهوری اسلامی در حکمرانی فضای مجازی بر پایه قاعده «نفی سبیل» می‌پردازد. هرگونه کم‌توجهی به این وظایف در برابر این پدیده نورسیده، موجب به چالش کشیده شدن نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های گوناگون خواهد شد.

محدوده و مصادیق بارز فضای مجازی در این پژوهش، شامل وبگاه‌ها، وبلاگ‌ها، تالارهای گفت‌وگو، شبکه‌های اجتماعی و پست الکترونیکی است که بر مبنای پروتکل اینترنت سامان یافته‌اند.

بر این اساس، پرسش‌های پژوهش عبارت است از: حکمرانی فضای مجازی در «ساختار» و «محتوا» چیست و در اختیار کیست؟ قاعده «نفی سبیل» چگونه بر حکمرانی فضای مجازی تطبیق داده می‌شود؟ بایسته‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در حکمرانی فضای مجازی با توجه به قاعده «نفی سبیل» کدام است؟

این پژوهش در سه بخش سامان می‌یابد: بخش نخست عهده‌دار واکاوی وضعیت موجود «حکمرانی ساختاری» فضای مجازی است. بخش دوم واکاوی وضعیت موجود «حکمرانی محتوایی» فضای مجازی را تبیین می‌کند. و بخش پایانی به چگونگی تطبیق قاعده فقهی «نفی سبیل» و بایسته‌های نظام جمهوری اسلامی در برابر وضعیت حکمرانی موجود می‌پردازد.

واکاوی وضعیت موجود «حکمرانی ساختاری» فضای مجازی

الف) مفهوم «حاکمیت» و «حکمرانی» در فضای مجازی

برای کاوش درباره «حکمرانی فضای مجازی» شایسته است نخست مفهوم «حاکمیت» (Sovereignty) و حکمرانی (Governance) تبیین گردد. بر اساس تعریف حقوق دانان و اندیشمندان سیاسی، «حاکمیت» همان قدرت برتر و عالی‌ای است که در هر جامعه، مافوق همه قدرت‌ها به شمار می‌رود و دارای دو بعد اساسی است: نخست بعد ملی، که موجب اطاعت مردم از این قوه برتر است، و سپس بعد بین‌المللی که بر پایه آن، کشورهای دیگر حاکمیت یک کشور را به رسمیت می‌شناسند (پروین، ۱۳۹۳، ص ۳۴۸).

توجه به این نکته لازم است که در تنظیم روابط حاکم بر فضای مجازی، از «حاکمیت فضای مجازی» سخن گفته می‌شود و نه از «حق حاکمیت فضای مجازی». به نظر می‌رسد که در انتخاب این مفهوم، گونه‌ای فراسط وجود دارد؛ زیرا واژه «حق حاکمیت» از واژه لاتینی «سوپرانوس» (Superanus) به معنای «برتر» گرفته شده است که بیشتر در خصوص دولت - ملت‌های مدرن به کار می‌رود، اما در فضای مجازی به سبب بی‌قلمرو بودن یا به عبارت رساتر، کم‌رنگ بودن مرزها، چندان مصداق ندارد و با تصویری که از حق حاکمیت در دانش سیاست وجود دارد، اصطلاح «حکمرانی فضای مجازی» که به معنای تنظیم روابط، کنترل کردن با استفاده از اختیار و همچنین بودن در حکومت است، مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

آیا فضای مجازی «حکمرانی‌پذیر» است؟ مفهوم «حاکمیت» در فضای مجازی موجود به چه شکلی می‌تواند باشد؟ در فضای مجازی، که از عمده‌ترین ویژگی‌های آن، بی‌مکانی یا ناپیدایی مرزهای جغرافیایی است، حکمرانی چگونه اعمال می‌شود؟ چه نهادهایی دارای صلاحیت حکمرانی هستند؟

ظهور نموده‌های جدیدی از حکمرانی مانند «حکمرانی فضای مجازی» تغییری پارادایمی در قدرت میان افراد، دولت‌ها و نهادهای اجتماعی پدید آورده است. چنین گفتگویی ناشی از ظهور فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی به‌عنوان ابزاری برای آسان کردن اشکال مدرنیستی حکمرانی بر پایه قلمرو، کنترل سلسله‌مراتبی جوامع و نظارت است. بنابراین، مرزهای دولت - ملت، هم به سبب گسترش اقتصاد جهانی و هم به سبب کمبود کنترل به وسیله دولت‌های ملی بر ارتباطات در فضای مجازی تضعیف شده است (لودر، ۱۹۹۷م، ص ۷۳). باید توجه کرد که اینترنت ابزاری است که فضای مجازی موجود در نظام بین‌الملل در بستر آن سیلان دارد. بنابراین، حاکمیت «فضای مجازی موجود» با حاکمیت اینترنت گره‌خورده است که بستر جریان آن است. اگر اینترنت را به زمینی تشبیه کنیم، حاکمیت فضای مجازی موجود، در پهنه زمین اینترنت صورت می‌پذیرد. اینترنت و اقدام‌های آن برجسته‌ترین ابزار در فضای مجازی موجودند. حاکمیت و راهبری این بزرگ‌ترین و کارآمدترین ابزار فضای مجازی، بسیار پیچیده و بحث‌انگیز است.

به پُرسمان‌های مرتبط با حکمرانی بر اینترنت، به دو شیوه نگریسته می‌شود: رویکرد صرفاً فنی و رویکرد کل‌نگرانه. بر اساس «رویکرد فنی»، حکمرانی اینترنت موضوعی فنی است و باید به مهندسان و برنامه‌ریزان واگذار شود. اما در «رویکرد کل‌نگرانه»، پیامدهای اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی تصمیم‌های فنی مد نظر قرار می‌گیرد. در این میان، دسته‌ای قدرت انحصاری را به حکومت‌های ملی می‌دهند، و گروهی دیگر، در کنار حکومت، بازیگران دیگری (شامل جامعه مدنی و بخش خصوصی) را نقش‌آفرین می‌دانند یا آنکه به‌طور کامل نقش حکومت را حذف می‌کنند (کاپور، ۲۰۰۵م، ص ۶۴).

یک روش برای مفهوم‌سازی «رویکرد کل‌نگرانه»، ارجاع به «لایه‌های حکمرانی» است. در این روش، باور بر این است که شبکه‌های رسانشی نوین را باید به‌منزله مجموعه‌ای از لایه‌ها در نظر گرفت. سه دسته از چنین لایه‌هایی شناسایی و معرفی شده است: «زیرساخت فیزیکی» (Physical Infrastructure) که داده‌ها از رهگذر آن جابه‌جا می‌شود؛ لایه «رمزگان» یا «منطقی» که زیرساخت را بازرسی می‌کند و لایه «محتوا» که دربرگیرنده داده‌هایی است که از راه شبکه جابه‌جا می‌شوند (اکدنیز، ۲۰۰۱م، ص ۸).

گرچه راهبری بحث‌برانگیز اینترنت به‌وسیله شرکت غیردولتی «آیکان» گسترش یافت، اما به تدریج، ساختار بین‌دولتی نیز در حاکمیت اینترنت مطرح نظر قرار گرفت. اتحادیه «ارتباطات از راه دور» (آی.تی.یو) (International Telecommunication Union) نیز آغاز به مشارکت در سیاست‌گذاری مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در پیوند با اینترنت کرد. در اجلاسی که در سال ۱۹۹۸ در «مینیا پلیس» ایالت

«مینه‌سوتا» برگزار شد، یکی از موضوعات توافق‌نامه آن بود که اجلاس جهانی سران در جامعه اطلاعاتی برگزار شود (www.itu.int). برپایی این اجلاس را می‌توان سرآغاز پیدایش موضوع «حکمرانی اینترنت» به شمار آورد. هنگامی که در سال ۲۰۰۳ موضوع «حکمرانی اینترنت» در اجلاس سران درباره جامعه اطلاعاتی در ژنو مطرح گشت، مقرر شد کارگروهی زیر نظر دبیر کل سازمان ملل متحد برای تعریف کاربردی از حکمرانی اینترنت تشکیل شود. این کارگروه شماری از پُرسمان‌های سیاست‌گذاری را پیشنهاد کرد که باید در حکمرانی اینترنت بدان‌ها توجه شود. این پُرسمان‌ها عبارت است از: مدیریت فایل‌ها و سیستم ناحیه اصلی (Root Zone) هزینه‌های تماس، مقابله، ثبات اینترنت، امنیت و جرم مجازی، هرزنامه‌ها، مشارکت معنادار در گسترش سیاست‌گذاری، ظرفیت‌سازی، ویژه کردن نام دامنه‌ها، نشانی‌های آی.پی. حقوق مالکیت معنوی، آزادی بیان، نگهداری داده‌ها و حقوق در پیوند با حریم خصوصی، حقوق مصرف‌کننده، تجارت الکترونیک، و همگرایی و شبکه‌های نسل بعدی (www.itu.int).

در سال ۲۰۰۵ نیز در سند پایانی اجلاس جهانی سران جامعه اطلاعاتی در تونس به «حاکمیت اینترنت» توجه شد. در این سند، افزون بر تأکید دوباره بر اصول اعلام شده در ژنو، حکمرانی بر اینترنت این‌گونه تعریف شد: «گسترش و کاربرد قواعد، هنجارها، قوانین، رویه‌های تصمیم‌گیری و برنامه‌هایی که دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی در نقش‌های مرتبطشان در زمینه تکامل و کاربرد اینترنت تدوین می‌کنند» (https://en.unesco.org).

ب) نهادهای حکمران در فضای مجازی اینترنت محور

نهادهایی که حکمرانی ساختاری اینترنت را در فضای مجازی موجود سامان می‌دهند، عبارت‌اند از:

۱. جامعه اینترنت «آیسوک» (ISOC, 2006) Internet Society

سازمانی که بیش از همه در ساخت بنیادین اینترنت نقش داشته، «جامعه اینترنت» است؛ سازمانی غیرانتفاعی که ستاد آن در واشنگتن‌دی‌سی و ژنو است. از زمان برپایی (۱۹۹۲)، «آیسوک» به‌عنوان یک سازمان فرامرزی در نگارش استانداردها و سیاست‌گذاری‌های مربوط به اینترنت عمل کرده است (www.internet society.org).

۲. هیأت معماری اینترنت «آیب» (IAB, 2005) Internet Architecture Board

از بالاترین سطوح راهبری سیاست داخلی شبکه، «هیأت معماری اینترنت» است. این نهاد برای نخستین بار در سال ۱۹۷۹ از سوی وزارت دفاع آمریکا و آژانس تحقیقات طرح‌های پیشرفته دفاعی، به‌عنوان «هیأت کنترل پیکربندی اینترنت» و سرانجام در ۱۹۹۲ به‌عنوان گذار، با نام تازه «هیأت مدیره معماری اینترنت» بخشی از انجمن اینترنت شد. سرپرستی «آیب» دربرگیرنده پایش معماری پروتکل‌ها و فراگردهای استفاده شده به وسیله اینترنت؛ نظارت بر فراگرد استفاده شده به‌منظور ایجاد استانداردهای اینترنت؛ و ارائه راه‌کار به جامعه اینترنت در سیاست‌گذاری‌های ویژه، مسائل فنی، معماری، و فراگردهای مرتبط با اینترنت و فناوری‌های بهینه‌ساز آن است (www.iab.org).

۳. ستاد عملیات مهندسی اینترنت «آیتف» (Internet Engineering Task Force (IETF))

«آیتف» یک جامعه بین‌المللی باز از شالوده‌ریزان شبکه، کارگزاران صنعت تولیدی محصولات فناوری اطلاعات و پژوهشگران برای دگرگون کردن معماری و پایداری عملیات اینترنت است که ایجاد و گسترش استانداردهای اینترنت را با همکاری کنسرسیوم تار جهان نما و ISO/IEC به‌ویژه در زمینه «پروتکل کنترل انتقال» و «پروتکل اینترنت» (تی‌سی‌پی / آی‌پی) بر دوش دارد (www.ietf.org).

۴. ستاد پژوهشی اینترنت «آرتف» (Internet research Task Force (IRTF))

«آرتف» هم‌تای «آیتف» شمرده می‌شود و در زمینه پروتکل‌های اینترنت، درخواست‌های رسمی، معماری و فناوری پژوهش می‌کند و به‌وسیله «گروه هدایت‌کننده پژوهش‌های اینترنت» (آرسج) (Internet Research Steering Group) مدیریت می‌شود (www.irtf.org).

۵. انجمن اینترنت برای اسامی و شماره‌های تعیین‌شده «آیکان»

Internet Corporation for Assigned Names and Numbers - ICANN

این نهاد اتحادیه‌ای غیر دولتی است که بر اساس قوانین ایالت کالیفرنیا تأسیس شده و تابع قوانین این ایالت است. این نهاد کارگزار گزینش نشانی‌های اینترنت (IP) اختصاص فضای اینترنت، گزینش مقادیر پروتکل، نام دامنه، مدیریت پیکره، مدیریت عملیات سیستم و تعیین «کارگزار - خادم ریشه» است. همچنین «کمیته مشورت دولت» و یک سازواره به نام «کد کشوری برای ثبت دامنه سطح بالا» وجود دارد که ساختار آن بسیار خردمندانه ایجاد شده است. بنابراین، رایانه‌های پیوسته به اینترنت تنها از راه نشانی و شماره پروتکل‌های اینترنتی به یکدیگر متصل‌اند. این کار را «سیستم نام‌های دامنه» (DNS-Domain Names System) فراهم می‌کند. این فناوری توانایی برگرداندن نام دامنه را به عدد و شماره برابر با نشانی و شماره IP و در نتیجه، امکان پیوند دادن رایانه را به سایت مورد جست‌وجو فراهم می‌کند و به دیگر اندام‌های فضای مجازی پیوسته می‌شود. به‌منظور تأمین کارکرد این سامانه، نشانی و شماره همگی پروتکل‌های اینترنتی در سروری (Server) به نام سرور A (Root Server) در شهر «دالس» (Dulles) در ایالت «ویرجینیا» نگهداری می‌شود (کیم جی ون، ۲۰۰۳م، ص ۴-۵).

از نظرگاه حقوقی، «آیکان» و سایر سازمان‌هایی که حکم‌رانی اینترنت را در دست دارند، سازمان‌هایی غیردولتی‌اند و دولت آمریکا نباید به‌طور مستقیم بر فعالیت‌های آنها نظارت کند؛ اما بر پایه پیمان امضاشده میان وزارت بازرگانی آمریکا و این نهادها، دولت آمریکا بر همه تکاپوهای آنها، به‌ویژه بر «آیکان»، نظارت دارد. سراسر شبکه اینترنت تحت راهبری و مدیریت این سازمان است که خود، در سرپرستی وزارت بازرگانی ایالات متحده است. هرچند دولت آمریکا مؤسسه «آیکان» را برگزیده و مدیریت نامی دامنه را به آن واگذار کرده است، اما با توجه به کوتاه بودن زمان واگذاری، دولت ایالات متحده می‌تواند مؤسسه دیگری را جایگزین کند. دولت آمریکا بر اساس قرارداد، راهبری خود را بر سرور A استوار کرده است. بر اساس این پیمان، «آیکان» و نهادهای زیرمجموعه‌اش،

پیش از انجام هرگونه حذف، پیرایش، یا افزودن داده‌هایی در فایل سرور، باید نظر مقامات ذی صلاح دولت آمریکا را کسب کنند (شاهان، ۲۰۰۷م، ص ۳۳۴-۳۳۵).

افزون بر سیطره بر نهادهای دیگر کارگزار اینترنت، اهرم دیگری نیز در اختیار ایالات متحده است که با توجه به اعمال حکومتی دولت‌ها در حقوق اداری، می‌تواند بر مؤسسات تحت تابعیت خود، حکمرانی کند، تا آنجا که با صلاحیت سرزمینی، آنها را ملزم به مفادی خارج از پیمان‌نامه‌های فیمابین نماید؛ زیرا قراردادهای دولت‌ها با تابعان خود از نظام ویژه‌ای پی‌روی می‌کند و از لحاظ تشریفات انعقاد و از لحاظ محتوا، یعنی برای حفظ منافع عمومی و غبطه دولت، دربردارنده شروط و احکام ویژه‌ای هستند که اختیارات گسترده‌ای را به دولت‌ها می‌دهد و او را در جایگاه برتری در مقایسه با طرف خصوصی قرارداد خود قرار می‌دهد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۰، ص ۳۴۷).

در عمل نیز دخالت‌های مکرر دولت ایالات متحده در کارکرد سازمان «آیکان»، نکته مهم حقوقی پیش‌گفته را بیش از پیش ثابت می‌کند. جلوگیری از ایجاد نام دامنه با پسوند XXX از سوی دولت آمریکا، با آنکه مورد موافقت «آیکان» قرار گرفته بود، نمونه‌ای از این اعمال حکمرانی است. چنان‌که حذف پسوند اینترنتی ZA از سوی «آیکان» در سال ۲۰۰۱ به دنبال تغییر نام کشور «زئیر» به جمهوری «کنگو» شاهدی دیگر بر این اعمال اقتدار است (فلوج، ۲۰۰۵م، ص ۴۷۲-۴۷۳).

به راستی، حکمرانی اینترنت و روادید وجود اشخاص، نهادها و دولت‌ها در فضای مجازی موجود، به‌گونه‌ای است که هرگاه ایالات متحده اراده کند، می‌تواند از راه اعمال قدرت حقوقی و سیاسی بر «آیکان» و دیگر سازمان‌ها، از ایجاد دامنه جدید جلوگیری کند؛ چنان‌که حذف دامنه‌ها به ناپدید شدن هستی اشخاص حقیقی و حقوقی در فضای مجازی خواهد انجامید.

این دولت با اعمال نفوذ بر این سازمان‌ها، می‌تواند از ایجاد پسوند اینترنتی جدید، که بسان پروانه حضور در فضای مجازی است، جلوگیری کند، و یا حتی آن را با تأخیر انجام دهد؛ چنان‌که اتحادیه اروپا پس از سال‌ها کوشش، موفق به دریافت دامنه اینترنتی تازه با پسوند EU شد. همچنین مدیریت و ثبت دامنه اینترنتی با پسوند Iq برای کشور عراق در سال ۱۹۹۷ به شرکت آمریکایی «اینفو کام» (Infocom) که ستاد آن در تگزاس بود، واگذار شد؛ پس از سه سال، مدیر این شرکت، که یک فلسطینی تبار بود، دستگیر و زندانی شد و پس از آن برای پنج سال، یعنی تا سال ۲۰۰۵ امکان ایجاد پایگاه اینترنتی یا ایمیل با پسوند Iq برای عراقی‌ها انجام‌پذیر نبود (همان).

افزون بر این، قدرت اطلاعاتی بی‌بدیلی در اختیار ایالات متحده قرار گرفته؛ زیرا سلسله اعصاب اینترنت یا پایگاه بنیادین این شبکه، سرور A است که نشانی و شماره همه پروتکل‌های اینترنتی در آن نگهداری می‌شود. این همان فایلی است که اگر یکی از نام‌های دامنه کشوری از آن پاک شود، تمام نشانی‌های اینترنتی آن کشور از دسترس خارج خواهد شد. هم‌اکنون در جهان، دوازده پایگاه دیگر وجود دارند که ده پایگاه آن در ایالات متحده، یکی در انگلستان و سوئد و دیگری در ژاپن قرار دارد. با توجه به اینکه از میان کارگزاران، سه تایی آن بیرون از گستره

صلاحیت سرزمینی دولت آمریکا قرار دارند، در صورت بروز ناسازگاری میان دولت آمریکا و متحدان سنتی این کشور، ایالات متحده توانایی محروم کردن آنان از دسترسی به شبکه را ندارد. برای نمونه، زمانی که فرانسه با یورش نظامی آمریکا به عراق مخالفت کرد، دولت ایالات متحده موضوع پاک کردن نام دامنه کشور فرانسه را موضوع کار خود قرار داد، اما به سبب آنکه کارگزارانی که خارج از قلمرو حاکمیت آمریکا قرار دارند، حاضر به فرمان‌بری از فرمان کارگزار اصلی، یعنی سرور A نبودند، تحریم اطلاعاتی فرانسه منتفی شد (شکرخواه، ۱۳۹۰، ص ۹۳).

صرف‌نظر از رهبری وزارت بازرگانی آمریکا، برجسته‌ترین سازمان بین‌المللی پویا در این زمینه، «سازمان جهانی مالکیت فکری» است که یک سازمان تخصصی در سازمان ملل متحد است. نقش این سازمان در طراحی اینترنت بسیار محدود است و صلاحیت انحصاری قضایی آمریکا در آن به وجود آمده است. شاید بتوان پذیرفت که کدهای استاندارد انتقال داده در سراسر اینترنت، به‌طور غیر قابل اجتنابی منجر به نگارش یک ساختار بنیادی قاعده‌مند بسان قانون اساسی شده است (اکدنیز، ۲۰۰۱م، ص ۸).

حاصل آنکه امروزه حق حاکمیت تنها در معنای «اعمال اقتدار در قلمرو سرزمینی، هوایی و دریایی» نیست، بلکه این حق، به‌منزله حق دسترسی به فضای مجازی تخصیص یافته در اینترنت نیز تفسیر شدنی است و بی‌بهره ساختن دولت‌ها از آن، اقدام سیاسی خصمانه و بی‌شک، نقض حاکمیت ملی است (شکرخواه، ۱۳۹۰، ص ۹۴).

با توجه به اینکه مدیریت و راهبری اینترنت در دست سازمان‌هایی است که در کنترل وزارت بازرگانی ایالات متحده هستند، این شیوه حکمرانی مورد انتقاد گسترده جهانی قرار گرفته است و گفت‌وگوهای انتقادی درباره ساختار «آیکان» و دیگر سازمان‌های حکمران، میان دولت‌ها و نهادهای خصوصی جریان دارد که منجر به دو اجلاس جهانی درباره «جامعه اطلاعاتی» در ژنو (۲۰۰۳) و تونس (۲۰۰۵) شده است. در این اجلاس‌ها، شیوه حکمرانی اینترنت، مطمح نظر قرار گرفته و گفت‌وگوهای انتقادی در خصوص ساختار «آیکان» در دستور کار قرار داده شده است؛ اما با وجود این، در نهایت، ساختار این نهاد بدون تغییر باقی مانده است.

مطابق اصل ۴۸ اعلامیه اجلاس ۲۰۰۳، حکمرانی اینترنت باید «چندجانبه، شفاف و مردم‌سالارانه بوده و با همکاری همه‌گیر دولت‌ها، بخش خصوصی، انجمن‌های مدنی و سازمان‌های بین‌المللی» باشد. در این اجلاس، مقرر شد «کارگروه حکمرانی اینترنت» زیر نظر دبیر کل سازمان ملل متحد پایه‌ریزی شود و کارگزار ارائه پیشنهاد درباره مسائل مربوط به حکمرانی اینترنت باشد. این اصول در نتایج اجلاس تونس در سال ۲۰۰۵ نیز دیگر بار تأیید شد (<https://en.unesco.org>).

دولت ایالات متحده رسماً خواهان حفظ نقش تاریخی خود در راهبری شبکه جهانی اینترنت است. در جریان برگزاری اجلاس سران در جامعه اطلاعاتی در کشور تونس، هر چند دولت این کشور پس از سرسختی‌های فراوان

ناچار به عقب‌نشینی شد، اما مدیریت شبکه در عمل به دست «آیکان» و سازمان‌های تابع آن است و ایالات متحده بر شبکه جهانی اینترنت، که اساس و بستر جریان فضای مجازی موجود است، سیطره کامل دارد.

واکاوی وضعیت موجود «حکمرانی محتوایی» بر فضای مجازی

۱. مفهوم «حکمرانی محتوایی»

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) معتقد است که حکمرانی اینترنت، فقط یک موضوعی فنی نیست، بلکه مسائل اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی را نیز دربرمی‌گیرد (<https://en.unesco.org>). در چند دهه‌ای که از روزگار ایجاد فضای مجازی جهانی اینترنت محور می‌گذرد، دولت‌ها به شکل فزاینده‌ای با طیف گسترده‌ای از مسائل در فضای مجازی مواجه شده‌اند که گستره وسیعی از موضوعات را دربر می‌گیرد؛ از یافتن راهی برای اطمینان از اینکه شهروندان و تابعان حاکمیت‌ها به‌طور شایسته از مزایای اینترنت بهره می‌برند، تا سروکار داشتن با محتوای غیرقانونی و نیز نیاز به معیارهای مناسب برای حمایت از کاربران، و رسیدگی به دشواری‌های مربوط به صلاحیت قضایی.

برخی از موضوعاتی که در دنیای فیزیکی برای حاکمیت‌ها اهمیت دارد، در فضای مجازی نیز اهمیت یافته که شامل مسائل مرتبط با محتوا و درون‌مایه فضای مجازی است. بدین روی، فضای مجازی به کانون توجه برای حکمرانی تبدیل گشته و دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که ساختارهای کنونی پاسخگوی موضوعاتی نیست که در این فضا پدید آمده است. با توجه به تفسیر عام سازمان «یونسکو» از حکمرانی فضای مجازی - که ذکر آن گذشت - حکمرانی این فضا به «حکمرانی محتوایی» و قالب‌های درون‌مایه‌ای آن هم جریان می‌یابد که درک این نوع حکمرانی در گرو درک دو امر مهم است: نخست فلسفه فناوری، و دیگری فلسفه فناوری فضای مجازی.

۲. فلسفه فناوری

فضای مجازی یکی از نمودهای فناوری‌های نوپدید است. پیدایش فناوری و تعامل آن با فرهنگ، از برجسته‌ترین بحث‌های چالشی سده حاضر در دامنه علوم اجتماعی بوده که پژوهش‌های فراوانی درباره آن صورت گرفته است. جامعه‌شناسان بر این باورند که ابزارها بر پایه شالوده‌های فلسفی سامان یافته‌اند. این نظام‌های باور و اندیشه ما هستند که عمل ما را شکل می‌دهند و رفتارها و اعمال ما پردازهای از دیدگاه‌ها و مبانی نظری ماست. پیکره‌های شناختی همان چارچوب‌های ذهنی ما هستند که در خط‌مشی‌گذاری، شناخت آنها شایان توجه است (حاجی‌ملا میرزایی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳). مصنوعات بشر رویه ظاهری و نمایان فرهنگ هستند که بر پایه ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری بنا شده‌اند. این ارزش‌ها و هنجارها، خود برآمده از هسته‌ای از پیش‌فرض‌ها و باورهای ژرفی هستند که بیشتر بدیهی انگاشته شده و غیر نمایان هستند. بنابراین، فناوری‌ها به‌عنوان مصنوع بشر، همچون گدازه‌های سرد

بر جامانده پس از فعالیت آتش‌فشان، آثار ملموس رفتار متجلی شده در هنجارها، ارزش‌ها و پیش‌فرض‌های فرهنگی را نمایان می‌سازند (هچ، ۱۳۹۰، ص ۵۹).

با انتقال ابزار اندیشه از خرد انسان به ماشین، فناوری دارای ابزار اندیشه شده و هم‌اوردی فرهنگ و فناوری، پایان یافته و فناوری، خود فرهنگی چیره گشته است. نیل پستمن، نظامی را که کلیت فرهنگ بشری را هدف قرار داده است «تکنوپولی» می‌نامد؛ زیرا انحصار قدرت در همهٔ ابعاد و زمینه‌ها منحصر به فناوری، ماشین و رایانه است، و از جامعه در زمینه‌های گفته شده، سلب اختیار و مسئولیت شده است. وی این واژه را از هم‌آمیزی دو واژهٔ «تکنولوژی» و «منوپولی» ساخته و در مفهوم «چیرگی بی‌مانند و حکومت تمام‌عیار فناوری بدون اخلاق بر جامعهٔ انسانی» به کار برده است. همچنین لیوتار، نظریه‌پرداز پست‌مدرن، انحصار فناوری و چیره شدن آن بر فرهنگ را به‌عنوان استیلای رایانه‌ها می‌انگارد و در اثر استیلای فناوری و انحصار آن، ارزش‌ها تغییر می‌یابند. برای نمونه، ارزش‌هایی مانند حقیقت و عدالت، به کارایی تحوّل می‌یابند. به دیگر بیان، در یک رویکرد بازاری به ارزش، آنچه سودمند به نظر می‌رسد، اهمیت دارد، نه آنچه درست و حقیقت است (حاجی‌ملا میرزایی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۵).

از دیدگاه ساموئل داکتروز، اقتباس از فناوری به دو شیوه انجام‌پذیر است: یکی اقتباس و کاربرد نوآورانه، و دیگری اقتباس به شیوهٔ قیاسی. اقتباس گونهٔ نخست مستلزم مشارکت به‌گونه‌ای است که نوع استفاده در محیط دوم کاملاً ناهمسان باشد؛ یعنی در فرایند انتقال، گونه‌ای نوآفرینی در برنامه‌ریزی و ساختاردهی به دست انتقال‌دهنده صورت پذیرد. در برداشت گونهٔ دوم، به‌کارگیری فناوری بسان استفاده‌ای است که فناوری از آن برخاسته است (الوانی، دانایی فرد، ۱۳۹۳، ص ۱۰۱-۱۰۲).

جنبش جهانی ارتباطات افزون بر افزایش رسانه‌های ارتباط‌جمعی، دگرگونی در نمادها و باورها را نیز به ارمغان آورده و پدیدآورندهٔ ارزش‌های فردی در میان فرهنگ‌هایی است که توانایی پدیدار کردن بیشتر این ارزش‌ها را در جهان دارند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱-۱۰۲). بنابراین، اگر فناوری را امری خنثی و بی‌سو تلقی کنیم، به بدترین نوع، تسلیم آن خواهیم شد؛ زیرا چنین پنداری از فناوری که به‌ویژه امروزه مورد ستایش است، چشم ما را بر چپستی فناوری فرو می‌بندد. بنابراین، اثر فناوری بر جامعه بی‌سو نیست و دامنهٔ آثار مثبت یا منفی آن در جامعه، بسته به ماهیت فناوری متفاوت است (هاپدگر، ۱۳۸۶، ص ۵).

۳. فلسفهٔ فناوری فضای مجازی

فضای مجازی دارای خاستگاهی فلسفی است که نیازمند تبیینی ژرف‌نگر بر اساس شالوده‌های نظری غرب و فلسفهٔ حاکم بر تمدن غرب است. این فلسفه تعارضی بنیادین با بن‌مایه‌های اسلامی و اصالت آخرت دارد. این ابزار، فرهنگ و گونهٔ نگرش به طبیعت و جهان هستی و فرجام انسان را با خود، به جوامع بیگانه از این فرهنگ آورده و تهاجمی خاموش را سامان داده است (کیان‌خواه و علوی وفا، ۱۳۹۱، ص ۲).

فضای مجازی اینترنت محور را باید در پیکر مصنوعات غرب در روزگار مدرنیته دید؛ روزگاری که به گزارش *مارتین هایدگر*، این گونه تعریف شده که «انسان کانون ارزش‌هاست». جوهر انسان‌گرایی (اومانیزم) استیلاجویی خودبنیادانه و نفسانیت‌مدار است و انسان را رها از روح ملکوتی‌اش، حیوانی هوشمند می‌انگارد که توانایی چیرگی بر جهان مادی دارد. این فناوری نوین ابزار نیست، بلکه خود، تجسم و چهره متجسد اندیشه خودبنیادانگاری نفسانی است. این فناوری مانند دیگر فناوری‌ها، وجودی سراسر فرهنگی دارد. این فرهنگ، فرهنگ اومانیزم و سکولاریسم است که رشته زمین و آسمان را گسسته و انسان را پیامبر روزگار جدید می‌انگارد (زرشناس، ۱۳۸۷، ص ۵۲ و ۴۱). فضای مجازی موجود امتداد این نگرش به هستی در بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات است.

چنان که به تفصیل گذشت، تبارشناسی اینترنت به صورت مستقیم به استیلا ایالات متحده از بستر وزارت دفاع این کشور بازمی‌گردد و تأثیرات این اصل و نسب افزون بر ساختار، در محتوای فضای مجازی اینترنت محور ملاحظه می‌شود (بل دیوید، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹). برخی پیکره‌های فضای مجازی موجود، مانند شبکه‌های اجتماعی مجازی همچون «فیس‌بوک»، «توییتر»، «تلگرام» و «گوگل پلاس»، که فضای چیره را در فضای مجازی به خود اختصاص داده‌اند، با ارزش‌های اومانیزمی و لیبرالیستی غربی، سامان یافته‌اند؛ ارزش‌های اجتماعی را متحول ساخته و دگرگونی گسترده‌ای در شیوه‌های شکل‌گیری هویت دینی افراد و گروه‌ها پدید آورده‌اند.

چنان که گذشت، وجه شاخص فضای مجازی، انسان محور بودن آن است. روشن است که نگاه به انسان از دیدگاه «اومانیزم» با نگاه به انسان از دیدگاه مکاتب الهی متفاوت است. فضای مجازی موجود آرمان شهر آزادی از نوع لیبرالیستی و اومانیزمی است و این آزادی به طور عمده، مرهون شاخصه گم‌نامی و بی‌هویتی کاربران در فضای مجازی موجود است که یکی از آسیب‌های بنیادین آن از میان بردن تعهد و مسئولیت‌پذیری است. انسان در این فضا، به کاربری تنزل می‌یابد که نه هویتی دارد و نه تعهدی. دستاوردهای پژوهش‌های پیمایشی حاکی است که میان مدت‌زمان عضویت، میزان به‌کارگیری و میزان مشارکت و فعالیت کاربران در به‌کارگیری برخی از شبکه‌های اجتماعی مجازی موجود، رابطه معنادار معکوس است؛ چنان که میان واقعی انگاشتن محتوای این ساحت‌های فضای مجازی و هویت دینی کاربران رابطه معنادار هماهنگی وجود دارد؛ یعنی هرچه زمان عضویت، میزان به‌کارگیری و تراز فعالیت کاربران در استفاده از این شبکه‌ها افزایش می‌یابد، از برجستگی هویت دینی آنها کاسته می‌شود و خوانش‌های دینی ناهمگون در آنها افزایش می‌یابد. این یافته‌ها گواه بر وجود فلسفه لیبرالیستی در این فضا است (قاسمی، وحید و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۵-۳۶).

محتوای مشوق فساد، تبلیغات پاپ‌آپ، تصاویر و فیلم‌هایی که بدون درخواست فرد در صفحه رایانه پدیدار می‌شود، درخواست‌های عضویت بی‌شمار در گروه‌های ضالّه و هرزنامه‌هایی که به تبلیغ در دامنه‌های جنسی و هرزه‌نگاری بدون توجه به بسترهای فرهنگی کاربران می‌پردازند، گواه بر آن است که محتوای فضای مجازی

موجود بازتابی از درک منحصر به فرد جامعه آمریکایی در زمینه فلسفه فردگرایی و آزادی لیبرالیستی است که بی‌نیامت در قانون اساسی این کشور گرامی شمرده شده است.

فرهنگ لیبرالیستی چنان بر فضای مجازی موجود چیره گشته که به‌صورت بالقوه، در هر لحظه و با هر کلیک، این امکان وجود دارد که فرد وارد حوزه آسیب‌زای فضای مجازی شود. می‌توان گفت: در فضای فیزیکی، گونه‌ای آسیب‌گرایی ارادی وجود دارد؛ اما در فضای مجازی، اثرپذیری از آسیب در بسیاری از موارد، به شکلی غیرارادی و ناخواسته است. برخی از اسناد بین‌المللی نیز بر آسیب‌های فزاینده این فضا صحه گذارده‌اند. در قطع‌نامه پایانی گردهمایی جهانی حمایت از کودکان در برابر سوءاستفاده‌های جنسی در سال ۱۹۹۹ آمده است: «هرچه اینترنت بیشتر گسترش یابد، کودکان بیشتر در معرض محتویات خطرناک آن قرار خواهند گرفت» (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۱۶۳).

حاصل آنکه هرچند فضای مجازی امکانات مناسبی در اختیار دولت‌ها می‌گذارد، اما فضای مجازی موجود، که متأثر از مبانی اندیشه‌ای پدیدآورندگان آن است، به چیرگی ارزش‌های اومانیستی در محتوای فضای مجازی انجامیده است. این، خود حکمرانی محتوایی بر فضای مجازی است. اهمیت این‌گونه از حکمرانی آنگاه آشکار می‌شود که دانسته شود «جنگ‌هایی که در آینده رخ خواهد داد به‌وسیله تسلیحات جنگی و در میدان‌های نبرد نخواهد بود، بلکه این جنگ‌ها به دلیل تصویری رخ خواهد داد که رسانه‌های گروهی به مردم القا می‌کنند» (لوهان، مارشال، ۱۳۷۷، ص ۴۰).

تطبیق قاعده «نفی سبیل» در حکمرانی فضای مجازی و بایسته‌های نظام جمهوری اسلامی

در نظام جمهوری اسلامی ایران، دین‌مبنای چیدمان روابط اجتماعی است و دست‌کم - با تبیین شالوده‌ها و تعیین قواعد و موازین کلی، راه تعامل با هر پدیده نوسیده، از جمله فضای مجازی را نشان می‌دهد. این نگرش نسبت به دین، شالوده این بخش از پژوهش است که با پندار سکولاریستی غریبان نسبت به دین متفاوت است. بخش سترگی از منظومه غنی فقه، که به‌طور ویژه به فقه سیاسی پرداخته است، ظرفیت تبیین چگونگی مواجهه با موضوع حاکمیت فضای مجازی را دارد. در این زمینه، با دست‌مایه قاعده «نفی سبیل»، بایسته‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در این زمینه تبیین می‌شود:

الف) تبیین قاعده

قاعده «نفی سبیل» از قواعد فقهی نام‌داری است که در باب معاملات، به‌ویژه در سیاسات و اقتصادیات و نیز در تمام پیوندهای میان جامعه اسلامی و جوامع غیرمسلمان و نیز در روابط فردی مسلمانان با کافران به‌صورت یک قانون کلی، حاکم است. اصل «استقلال و آزادی مسلمانان» و «پاس‌داری از عزت و کرامت جامعه اسلامی» و «تحقق آرمان پیروزی اسلام» «لیظهره علی الدین کله» (توبه: ۳۳) و هدف فرجامی جهاد «حتی لاتکون فتنه»

(انفال: ۳۹)، به اجرای ژرف‌بینانه این قاعده در همه مناسبات و روابط بستگی دارد. بسیاری از روابط و مناسبات جهان اسلام و جهان کفر در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی تحت تأثیر این قاعده قرار می‌گیرد و با قاطعیت می‌توان گفت که این قاعده در روابط خارجی دولت اسلامی و مسلمانان، حق و تو دارد. روشن است که نابسامانی‌ها و انحطاطات مسلمانان و چیرگی‌هایی که جهان استکبار بر جهان اسلام یافته، از کم‌توجهی به مصادیق این قاعده در هر عصر صورت پذیرفته است.

«سبیل» گونه‌ای ولایت است که به صاحب آن مشروعیت می‌دهد تا بر دیگری برتری یابد و اعمال اقتدار کند. هرگاه چنین اختیار سلطه‌آمیزی از سوی غیر مسلمانان بر مسلمانان اعمال گردد، موضوع نفی سبیل مطرح خواهد شد و بر اساس قاعده، هر موضوعی که در اسلام مستلزم این چیرگی باشد، منتفی است (عمید زنجانی، ۱۳۹۰، ص ۲۵). این قاعده به هریک از ادله چهارگانه (کتاب، سنت، عقل، اجماع) قابل استناد است و سرچشمه آن آیه ۱۴۱ سوره نساء است: «و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً» (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۲۷-۳۳۱). از دیدگاه فقیهان، گستره قاعده «نفی سبیل» هرگونه سلطه در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و جز آنها را دربر می‌گیرد و رابطه سلطه‌آور را در هر اندازه و شکلی نفی می‌کند. برخی از فقیهان تا آنجا پیش می‌روند که تصدی مؤسسات عام‌المنفعه‌ای را که برای مسلمانان وقف شده و همچنین تدریس و تربیت کودکان و جوانان مسلمان به وسیله کافران را مشمول این قاعده دانسته و ناروا شمرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۴).

از زاویه دیگر، گستره این قاعده، نه تنها حکم تکلیفی را دربر می‌گیرد، بلکه حکم وضعی را نیز شامل می‌شود. بنابراین، انجام آنچه دستاویز چیرگی کافران بر مسلمانان گردد، نه تنها مغضوب شارع است و انجام آن سبب سزاواری عقاب، بلکه شارع مقدس دادوستد، انتخاب و انتصاب، و دیگر صورت‌هایی را که حکم وضعی در پی دارد، به رسمیت نمی‌شمارد (عمید زنجانی، ۱۳۹۰، ص ۳۷).

از منظر کلی دیگر، می‌توان گستره این قاعده را در دو جنبه مثبت و منفی عام دانست؛ اقدامات سلبی و مقاومت‌های منفی در برابر مداخله‌جویی بیگانگان، همچون عدم پذیرش تحت‌الحماگی چهره سلبی قاعده، و راه‌کارهای حفظ استقلال و عدم وابستگی، چهره اثباتی این قاعده است (شریعتی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۶).

ب) کاربردهای قاعده

فقیهان با دست‌مایه قاعده «نفی سبیل» در حوزه‌های گوناگون، احکامی ناسازگار با مقتضای ادله نخستین استنباط کرده‌اند. قاعده «نفی سبیل» در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور عمده، مبنای قانونگذاری قرار گرفته است؛ اصول ۳، ۹، ۷۷، ۸۱، ۸۰، ۷۸، ۸۲، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴ مستقیماً یا غیرمستقیماً بر مبنای این قاعده فقهی تدوین شده‌اند. فقیهان با دست‌مایه قاعده «نفی سبیل» در حوزه‌های گوناگون، احکامی ناسازگار با مقتضای ادله نخستین استنباط کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

۱. حوزه سیاسی

نفی ولایت کافر بر مسلمان به گونه‌ای که بتواند بر وی حکم‌ران باشد، از مصادیق این قاعده است. نفی سرپرستی کافر در حوزه سیاسی در چند زمینه ذکر شده است:

نخست. ولایت و حکومت: تصدی حکومت و زمام‌داری سیاسی کافران در جامعه اسلامی نفی شده و گردن نهادن به آن نامشروع تلقی شده است.

دوم. ولایت در قضا: در محاکمی که حقوق مسلمان در آن مطرح است در اختیار گذاردن امر قضاوت به کافران ممنوع است.

سوم. عوامل دولتی نفوذی در کشورهای اسلامی: این افراد اگر به صورت عامل نفوذ بیگانگان قرار گیرند و مایه نفوذ و چیرگی آنان بر مسلمانان گردند و یا برای استیلائی آینده جبهه کفر زمینه‌سازی کنند، از مقام خود معزول هستند (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۳۲۷-۳۳۱).

۲. حوزه اقتصادی

اگر روابط بازرگانی با بیگانگان مایه چیرگی اقتصادی کفار بر بازار مسلمانان و بازرگانی کشور اسلامی گردد، واجب است تمام پیمان‌ها در این زمینه لغو و به هر شکل در برابر آن ایستادگی شود. حساسیت اسلام به نفی چیرگی اقتصادی تا جایی است که در «حق شفعه»، اگر شریک - چه کافر و چه مسلمان - سهم خود را به مسلمانی بفروشد، شریک کافر نمی‌تواند با «حق شفعه» آن را به طور قهری بخرد؛ زیرا چنین حقی مایه چیرگی کافر محسوب شده است.

اگر امت اسلام از سوی بیگانگان در خطر استیلائی اقتصادی قرار بگیرد که به وهن اسلام و مسلمانان بینجامد، دفاع بر یکایک مسلمانان دارای شرایط، واجب است و باید با ابزارهای همسان و پایداری منفی، همچون مصرف نکردن کالاهای آنان و خودداری از روابط و رفت‌وآمد و هرگونه دادوستد با آنها در جهت دور کردن این خطر اقدام کنند (همان).

۳. حوزه اجتماعی

بیشتر مصادیقی که فقیهان برای قاعده «نفی سبیل» ذکر کرده‌اند، در این حوزه است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

ولایت پدر کافر درباره اجازه ازدواج دختر مسلمان دوشیزه‌اش منتفی است. زن مسلمان نمی‌تواند همسر مرد کافر باشد؛ نه به صورت آغازین و نه به طور استدامه. احکام التقاط طفل محکوم به اسلام، نسبت به یابنده کافر جریان ندارد.

اگر ولیّ مقتول مسلمان، کافر باشد، نمی‌تواند قاتل مسلمان را قصاص کند؛ زیرا حق قصاص بنابر قاعده «نفی سبیل» به مسلمانان اختصاص دارد، و اگر مقتول مسلمان، وارث مسلمانی نداشته باشد، یا حق قصاص ساقط می‌گردد و به خون‌بها تبدیل می‌گردد یا آنکه اختیار آن با حاکم شرع خواهد بود.

اگر کودک نابالغ مسلمان، پدر یا نیای پدری اش کافر باشد، نباید وی سرپرست فرزند نابالغ خویش باشد. ولایت فرزند کافر بر تجهیز جنازه پدر مسلمان خود به دلیل همین قاعده، به فرزندان مسلمان وی اختصاص یافته است (همان).

۴. حوزه فرهنگی

آنچه در عصر ارتباطات اهمیت مضاعفی یافته آن است که در حوزه فرهنگ، کفّار نباید از طریق بی‌ارزش جلوه‌دادن فرهنگ اسلام به وسیله رسانه‌های جمعی، سینما و سایر آموزه‌های هنری و نیز تربیت افراد، بر مسلمانان سلطه یابند و خطر این تسلط با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های شگفت‌انگیز فضای مجازی مضاعف شده است. سلطه فرهنگی، سایر انواع سلطه از جمله سلطه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و جز آنها را در پی خواهد داشت. از این رو، برخی از فقیهان با توجه به دو چهره مثبت و منفی قاعده گفته‌اند: «وظیفه مسلمانان نفی سلطه فرهنگی اجنبی و نشر فرهنگ غنی اسلام است» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۲۱۹).

۵. حوزه امنیتی و نظامی

وابستگی تسلیحاتی و مستعمره قرار گرفتن در قراردادهای و پذیرش سلطه نظامی و امنیتی کافران به سبب این قاعده نفی می‌شود. اگر روابط سیاسی و ارتباطات و پیمان‌های نظامی و تعهدات با کافران به چیرگی امنیتی و نظامی استعمار و دربند گرفتار شدن مسلمانان بینجامد، حرام و چنین قراردادهایی باطل و فاقد ارزش قانونی است و بر همه مسلمانان واجب است در ارشاد رؤسای مسلمانان، که به چنان پیمان‌هایی پایبند شده‌اند، بکوشند و با پایداری منفی در برابر آن بایستند. بر اساس قاعده «نفی سبیل»، هرگاه یکی از کشورهای اسلامی آماج تاخت‌وتاز قرار گیرد، بر همه مسلمانان واجب است که با هر ابزاری که در دست دارند، به دفاع برخیزند (موسوی خمینی، ۱۳۲۵، ج ۲، ص ۳۲۷-۳۳۱).

ج) تطبیق قاعده فقهی «نفی سبیل» در حکمرانی فضای مجازی و بایسته‌های نظام جمهوری اسلامی

۱- تطبیق قاعده «نفی سبیل» بر حکمرانی فضای مجازی

فقیهان، نه تنها به حرمت وضعی و تکلیفی «سبیل» فتوا داده‌اند، بلکه همچنین اقداماتی که مسلمانان را در معرض سبیل قرار می‌دهد یا «خطر سبیل» در پی دارد، ممنوع دانسته‌اند. از سوی دیگر، مفهوم «سبیل» با آنکه مفهومی ایستا و ثابت است، اما در تحقق و عینیت یافتن و مصادیق، متغیر و تابع شرایط زمان و مکان است. این مفهوم به اقتضای لایه‌دار و پیچیده بودنش، به شدت متأثر از شرایط و ظرفیت‌هاست. فضای مجازی - به تفصیلی که گذشت -

امتداد زندگی انسان بر بستر فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی است و در این فضا، اجتماع و فرهنگ نوین انسانی در بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات شکل گرفته و چهره سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، نظامی و فرهنگی زندگی اجتماعی بشر را سخت تحت تأثیر قرار داده است.

مفاد قاعده «نفی سبیل» و تطبیقاتی که فقیهان در مصادیق آن انجام داده‌اند و توجه به وضعیت حکم‌رانی فضای مجازی در «ساختار» و «محتوا» گواه بر آن است که فضای مجازی موجود، فضای مجازی مطلوب نیست. کمترین سبیل بیگانگان در این فضا، با توجه به حاکمیت ساختاری بر آن، تسلط بر اصل وجود و حضور نظام جمهوری اسلامی در فضای مجازی است؛ با این تبیین که اگر نهادی به نام «ایکان» یا دیگر نهادهایی که زیر نظر وزارت بازرگانی ایالات متحده به سامان‌دهی فضای مجازی در بستر اینترنت مشغولند، هرگاه اراده کنند، می‌توانند با حذف نام دامنه هر کشوری آن را در فضای مجازی از دسترس خارج کنند و آن را مختل نمایند. با توجه به اینکه امروزه تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی، سیاسی، امنیتی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی و جز آنها، با فناوری فضای مجازی درهم تنیده شده است، و با دقت در آنچه در بحث کاربردهای قاعده فقهی «نفی سبیل» گذشت، باید اذعان کرد انواعی از سبیل در فضای مجازی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی در جریان است. هر یک از این سبیل‌ها به تنهایی برای جریان قاعده فقهی «نفی سبیل» در فضای مجازی کافی است. افشای ابعاد گسترده جاسوسی‌های سایبری آمریکا از سوی *ادوارد/سنودن* پیمانکار پیشین آژانس امنیت ملی آمریکا، در ژوئن ۲۰۱۳ گواه دیگری بر وجود انواع سبیل در فضای مجازی اینترنت‌محور است (www.majazi.ir).

با قیاس اولویت، باید گفت: از اینکه فقیهان در مواردی همچون سرپرستی و ولایت کافران بر مؤسسات عام‌المنفعه، تجهیز جنازه مسلمان، ولایت بر سفیه و مجنون مسلمان، اجازه ازدواج دختر مسلمان و نذر فرزند مسلمانان، «حق شفعه» یا حتی جریان احکام التقاط طفل محکوم به اسلام نسبت به یابنده کافر، سبیل کافران را دریافته و فتوا به حرمت هرگونه مصداق آن داده‌اند، استفاده می‌شود که به‌طریق اولی، باید «سبیل» در فضای مجازی موجود راه، که با «سبیل» در موارد پیش‌گفته قیاس‌پذیر نیست، منطبق دانست. اگر فرضاً از قطعیت این سبیل هم چشم‌پوشی کنیم و از معرض سبیل بودن یا وجود خطر سبیل سخن بگوییم، بازهم در کلام فقیهان، سدّ چنین محملی واجب است (عمید زنجانی، ۱۳۹۰، ص ۳۹).

توجه به این نکته در حکم‌رانی محتوایی لازم است که در دیدگاه توحیدی، بشر نیازمند ابزار است تا به‌آسانی نیازهای این‌جهانی خود را برآورده سازد. اما در عین نیاز به ابزار، روح تربیت دینی یادآور آن است که ابزارها را نشاید که جای مقصد اصلی قرار گیرند (طاهرزاده، ۱۳۸۷، ص ۲۵). گرچه اسلام فناوری را ابزار می‌انگارد، اما فضای مجازی موجود بر پایه ارزش‌های اومانیزستی و لیبرالیستی بنا گشته و دارای فرهنگ حاکمی است. برای نمونه، می‌توان به آزادی ارتباطات از نوع لیبرالیستی در طراحی انواع شبکه‌های اجتماعی موجود در بستر فضای مجازی اشاره کرد که امکان ارتباطات نامحدود با محتوای نامحدود و بدون الزام به ابراز هویت واقعی اشخاص را پدید می‌آورند. بایسته

است که نظام اسلامی افزون بر نفی حکمرانی ساختاری، در جهت نفی حکمرانی محتوایی نیز چاره‌ای بیندیشد تا پیوندهایی که در ارتباطات مجازی کشور جریان دارد، بر پایه فرهنگ ایران اسلامی سامان یابد.

۲- بایسته‌های نظام جمهوری اسلامی در حکمرانی فضای مجازی

ویژگی «مکتبی» مهم‌ترین شاخصه نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس، در مقدمه قانون اساسی ذکر شده است که ابزارهای ارتباط جمعی (راديو - تلویزیون) باید در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت گسترش فرهنگ اسلامی قرار گیرد و از گسترش و رواج خصلت‌های تخریبی و ناسازگار با اسلام بپرهیزد. نام بردن «راديو و تلویزیون» در کمانک و پس از «وسایل ارتباط جمعی» باتوجه به مشروح مذاکرات مجلس تدوین قانون اساسی، به معنای تأیید اهمیت و کارایی ویژه صدا و سیما از نظر نویسندگان قانون اساسی است. به دیگر سخن، سیاق مقدمه قانون اساسی، ذکر خاص پس از عام است و نه تخصیص و محدودکردن ابزارهای ارتباط جمعی در «راديو و تلویزیون». از این رو، در اصول قانون اساسی، رسالت‌گرا بودن وسایل ارتباط جمعی، هم از جنبه سلبی و هم جنبه ایجابی برای تمام فناوری‌هایی که ارتباطات را پدید می‌آورد، صادق است. قید «وسایل دیگر»، که نشان از درایت نویسندگان قانون اساسی دارد، به‌طور قطع بر فضای مجازی صادق است. از نظر سلبی هم چنان‌که از اصل ۲۴ و ۱۷۵ قانون اساسی دریافت می‌شود، در زمینه فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، دولت جمهوری اسلامی مکلف به رعایت موازین اسلامی و چارچوب شرعی است. در این قانون، نفی سلطه‌پذیری و استقلال فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی از پایه‌های نظام اسلامی است.

فضای مجازی اینترنت محور، که هم فلسفه وجودی‌اش و هم حاکمیت ساختار و محتوای آن - به تفصیلی که گذشت - در دست دولت ایالات متحده است، مایه سيطرة همه‌جانبه اطلاعاتی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و امنیتی و به‌دیگر بیان، حاکمیتی بر نظام اسلامی گشته است. بر اساس قاعده «نفی سبیل»، باید ساختارهای موجود، که دستاویز انواع چیرگی کفار بر مسلمانان است، با مدیریت جهانی، به‌ویژه با هم‌افزایی کشورهای اسلامی، از انحصار بیگانگان خارج شود و فضای مجازی سازگار با شالوده‌های نظام اسلامی طراحی گردد تا امت اسلامی افزون بر بهره‌مندی از مزایای شبکه جهانی، از آسیب‌ها و تهدیدهای این فضا در امان باشد و استقلال کشورهای اسلامی در ابعاد گوناگون حفظ شود. چهره اثباتی قاعده فقهی «نفی سبیل» مستلزم اقدامات ایجابی در فضای مجازی است که از بایسته‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی است. در این زمینه، از دیدگاه کارشناسان، ایجاد «شبکه ملی اطلاعات» پیش‌نیاز حفظ استقلال و خودسالاری کشور در فضای مجازی است (مصوبه شورای عالی فضای مجازی، ش. ۲۴۰۵/۹۲/۱۰ ش، مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۳۰). این امر در راستای بند ۱۳ اصل دوم قانون اساسی است که تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت را از تکالیف دولت جمهوری اسلامی ایران بر شمرده است.

برخلاف تلقی عامیانه، «شبکه ملی اطلاعات» به معنای گسستگی از فضای مجازی موجود و اینترنت جهانی نیست. «شبکه ملی اطلاعات» زیرساخت و بستر فضای مجازی کشور است که همگی سرویس‌ها، خدمات محتوا،

کاربر، امنیت، مدیریت و حاکمیت را دربر می‌گیرد. یکی از خدماتی که در «شبکه ملی اطلاعات» به‌طور ایمن و پرشتاب و با هزینه کمتر در اختیار مردم قرار می‌گیرد، اینترنت جهانی است.

ضرورت‌های بسیاری برای راه‌اندازی این شبکه ملی وجود دارد که بسیاری از دولت‌ها را بر آن داشته است که زیرساخت بومی برای تبادل داده‌ها داشته باشند. این ضرورت‌ها از استقلال کشور در پهنه‌های امنیت، اقتصاد و فرهنگ آغاز می‌شود و به ارائه خدمات گوناگون، همچون جویسگر ملی، رایانامه بومی، پیام‌رسان‌های بومی، دولت الکترونیک، و دیگر سرویس‌های بنیادی که نیازمند داشتن شبکه ملی است، منتهی می‌شود. هم‌اکنون برخی از کشورها پویای آفرینش شبکه ملی اطلاعات را آغاز کرده‌اند. این امر به معنای تجزیه شبکه جهانی اینترنت و فروپاشی فضای مجازی آمریکایی خواهد بود.

«شبکه ملی اطلاعات» در ایران باید مجهز به تازه‌ترین فناوری‌های نوین و بومی برای تحقق فضای مجازی اسلامی و ایرانی و زمینه‌ساز دستیابی ایران به اهداف چشم انداز ۱۴۰۴ باشد. این شبکه دربرگیرنده مراکز داده ملی، زیرساخت‌های رسانی و خدمات نرم‌افزاری است تا خدمات اشخاص حقوقی و حقیقی را از راه بستر ارتباطی کشور میان مردم با مردم، و مردم و دستگاه‌های حاکمیتی کشور ارائه نماید.

راه‌اندازی «شبکه ملی اطلاعات»، راه‌کار بنیادین برای خودسالاری و تملک واقعی کشور بر داده‌ها و زیرساخت‌های رسانی و اطلاعاتی است که در دنیای امروز به‌عنوان یک راهبرد کلیدی از سوی کشورهای تراز اول جهان دنبال می‌شود. به دیگر سخن، در «شبکه ملی اطلاعات» افزون بر حفظ استقلال ساختاری و محتوایی، پیوند با شبکه جهانی اینترنت به‌عنوان یکی از خدمات «شبکه ملی اطلاعات» انجام‌پذیر است که در آن با کاهش هزینه‌های تأمین پهنای باند بین‌الملل، افزایش امنیت اطلاعات ملی، حفظ حریم خصوصی کاربران داخلی، توسعه تجهیزات و اطلاعاتی، تبدیل شدن به کانون انتقال اطلاعات منطقه، گسترش نرم‌افزاری و مقوله‌هایی از این دست، به امنیت پایدار و استقلال در شبکه تعاملی خدمات و اطلاعات الکترونیک بر پایه توانمندی‌های ملی دست خواهیم یافت (www.majazi.ir).

«شبکه ملی اطلاعات» با الزامات مصوبی مانند داشتن توانایی عرضه انواع خدمات امن، مانند رمزنگاری و امضای دیجیتال به همه کاربران، امکان برقراری پیوندهای امن و پایدار و کاملاً مستقل را با دستگاه‌ها و مراکز حیاتی کشور می‌دهد. این شبکه توانایی تعامل مدیریت شده با فضای مجازی اینترنت‌محور را دارد و می‌تواند همزمان با آفرینش ارزش‌های مثبت و پیش‌رانی اقتصاد ملی، تراز قابل‌پذیرشی از حاکمیت «ساختاری» و «محتوایی» را پدید آورد.

اکنون زیرساخت ارتباطی و اطلاعاتی کشور دارای کاستی‌های جدی است که تحقق استقلال و اکوسیستم پویای مبتنی بر ارزش‌های دینی را با دشواری مواجه کرده و تأمین‌کنندگان خدمات و محتوای فضای مجازی،

به زیرساخت‌های بیرون از کشور وابسته‌اند. وضع موجود و مطلوب برای زیرساخت ارتباطی فضای مجازی از این قرار است:



تصویر ذیل با تبیین الزامات کارکردی و غیر کارکردی «شبکه ملی اطلاعات» به اجمال، گویای کارآمدی این شبکه در ایجاد انواع استقلال و خودسالاری‌های برجسته در فضای مجازی است.



همچنین «شبکه ملی اطلاعات» همه الزامات پدافند غیرعامل را تحقق بخشیده است تا گونه‌های حفاظت پیش‌گیرانه فعال را نسبت به تهدیدات شبکه جهانی اینترنت پدید آورد و حکمرانی امنیتی بیگانگان را در فضای مجازی نفی کند.

توجه به این نکته لازم است که طراحی لیبرالیستی ساختار فضای مجازی موجود، که بی‌چهرگی و ناشناختگی بزه‌کاران سایبری را در پی داشته است، به آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی در این فضا دامن می‌زند. به دیگر سخن، از یک سو، ناشناخته ماندن بزه‌کاران اجتماعی و فرهنگی سبب دشواری کشف بزه‌کاران می‌شود، و از دیگر سوی،

این گم‌نامی افزایش بی‌باکی بزه‌کاران را به همراه دارد. جعل پروتکل اینترنتی و استتار برخط، از شیوه‌های مرسوم تغییر هویت در فضای مجازی است که از لحاظ سهولت، با شیوه‌های همسان آن در بزه‌های سنتی، مانند گریم، جراحی پلاستیک و جعل سند، قابل مقایسه نیست (جوان جعفری، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶). ویژگی احراز هویت کاربران در الگوی «شبکه‌ی ملی اطلاعات» و توانایی شناسایی دارندگان پایگاه‌های گوناگون و میزبان‌ها، که به معنای نفی حکمرانی لیبرالیستی فضای مجازی کنونی است، یکی از راه‌های پیش‌گیری وضعی از ناهنجاری‌ها و نفی حکمرانی فرهنگی بیگانگان در فضای مجازی کشور است (طباطبایی، ۲۰۱۸م، ص ۱۰).

از دیگر بایسته‌های اساسی و مهم در حکمرانی فضای مجازی، که بایسته‌ی نخست می‌تواند مقدمه‌ای برای آن محسوب شود، همگرایی اسلامی و تشکیل امت اسلامی در فضای مجازی به منظور نفی انواع سبیل در ساختار و محتوای فضای مجازی است؛ چنان‌که فقیهان ابراز کرده‌اند، هرگاه مسلمانان از سوی کافران در خطر استیلا سیاسی یا اقتصادی یا فرهنگی قرار گیرند، به‌گونه‌ای که منجر به اسارت سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی آنان گردد و یا منتهی به وهن اسلام و مسلمانان باشد، دفاع بر همه‌ی آنان واجب می‌گردد (موسوی خمینی، ۱۳۲۵ق، ج ۱، ص ۴۸۵-۴۸۷). صغرای این امر، یعنی حکمرانی بیگانگان در ساختار و محتوای فضای مجازی موجود اثبات شد، اما اندیشه‌ی امت اسلامی، که در دوره‌ی معاصر نخست در کشور مصر توسط سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، و در شبه قاره توسط اقبال لاهوری مطرح شد و طرح آن بر مبنای اندیشه‌ی امام خمینی^ع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مشاهده می‌شود، چگونه در فضای مجازی امکان پیاده شدن دارد؟ و این امر چه تأثیری بر نفی حکمرانی بیگانگان در فضای مجازی دارد؟

چالش مهم امکان تشکیل امت اسلامی در فضای فیزیکی، وجود مرزهای ملی و جغرافیایی است. لیکن توجه به دو مسئله، چالش مذکور در فضای مجازی را مرتفع می‌کند:

نخست آنکه در اسلام، مرزها اعتقادی است و بر همین اساس، همه‌ی مسلمانان موظف‌اند از تمام دارالاسلام و امت اسلامی حفاظت و حمایت کنند (حسینی، ۱۳۹۶، ص ۴۵۶). امام خمینی^ع در وصیت‌نامه‌ی الهی - سیاسی خود، از کشورهای جهان اسلام می‌خواهد به سمت تأسیس امت اسلامی بروند و هر کدام بر اساس مذهب اکثریت‌شان با شعارهای اسلامی زندگی کنند، ولی با هم همکاری نمایند و یک خط را بروند (وصیت‌نامه‌ی الهی سیاسی امام خمینی^ع، ۱۳۶۸، www.imam-khomeini.ir).

دوم آنکه ماهیت مرزها در فضای مجازی، با ماهیت مرزهای جغرافیایی در فضای فیزیکی متفاوت است و تشکیل «امت اسلامی سایبری یا مجازی» بدون آنکه در مرزهای جغرافیایی موجود خللی وارد سازد، امکان‌پذیر است. بر این اساس، بر مسلمانان و بنا بر قاعده‌ی فقهی «اشتراک تکلیف»، بر دولت‌های کشورهای اسلامی، واجب شرعی و عقلی است نخست در راستای نفی سبیل و از باب «مقدمه‌ی واجب» برای ایجاد «شبکه‌ی ملی اطلاعات» گام بردارند و از آن‌رو که نفی سبیل کامل در ساختار و محتوای فضای مجازی متوقف بر هم‌افزایی دولت‌ها و ملت‌های

مسلمان است، بر آنان لازم است که با همپوشانی شبکه‌های ملی اطلاعات یکدیگر و ایجاد محیط مشترک مجازی بر مبنای موازین مسلم قرآن و مشترکات فقهی، یعنی ایجاد «فضای مجازی امت اسلامی»، ضمن تأکید بر نظام سیاسی مستقل، به منظور نفی سبیل بیگانگان از این فضا، اقدام به تشکیل امت اسلامی در فضای مجازی کنند. این امر چهره اثباتی دیگری در قاعده «نفی سبیل» در فضای مجازی است. پیوستگی ساختارهای فضای مجازی کشورها در شبکه امت اسلامی مجازی و پشتیبانی محتوایی یکدیگر در سپهری که بر مبنای مشترکات ارزشی بنا شده است، سبب ایجاد بلوک مستحکم و حکمرانی مستقل تر و کارآمدتر در فضای مجازی خواهد شد که خود به گفتمان برتر در فضای مجازی می‌انجامد.

از آن رو که وضعیت آرمانی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نظام «امامت و امت» است که در مقدمه قانون اساسی و اصول ۵، ۵۷، ۱۰۷ و ۱۷۷ ذکر شده، یکی از بایسته‌های مهم نظام جمهوری اسلامی ایران، حرکت به سوی تشکیل این نظام و حمایت و بسترسازی امت اسلامی در فضای مجازی یا امت اسلامی سایبری است. به نظر می‌رسد در دنیای کنونی، ایجاد نظام امامت و امت در گام نخست، متوقف بر ایجاد مقدمه آن در فضای مجازی است که پیش درآمدی بر تشکیل این نوع نظام در فضای فیزیکی خواهد بود، و این مهم، خود متوقف بر آفرینش «شبکه ملی اطلاعات» در ایران و دیگر کشورهای اسلامی و هم‌افزایی آنها با شاخصه‌های پیش‌گفته است.

از بایسته‌های دیگر نظام جمهوری اسلامی ایران برای نفی حکمرانی محتوایی فضای مجازی، که در بستر شبکه ملی اطلاعات انجام‌پذیر است، ایجاد امکان عرضه انواع محتوا و خدمات ارتباطی سراسری با کیفیت با درون‌مایه فرهنگ ایران اسلامی است که محافظت از آن با عرضه انواع خدمات امن، مانند رمزنگاری انجام‌پذیر است. همچنین اعمال تعرفه تبعیضی مثبت در جهت انگیزش کاربران به زایش محتوای اسلامی از دیگر جنبه‌های اثباتی قاعده «نفی سبیل» در حکمرانی محتوایی فضای مجازی است.

جمع‌بندی و نتیجه

در فضای مجازی موجود، سلطه کامل بیگانگان در دو بستر «ساختار» و «محتوا» در جریان است. حکمرانی بر ساختار فضای مجازی از خلال سازمان‌هایی به ظاهر غیردولتی در ایالت متحده سامان یافته است. سلطه دیگر در محتوای فضای مجازی است؛ زیرا فضای مجازی موجود را باید در پیکره مصنوعات غرب در روزگار مدرنیته دید. یافته‌های میدانی پژوهش‌ها گواه بر آن است که پیکره‌های فضای مجازی موجود مانند شبکه‌های اجتماعی، که با ارزش‌های اومانیستی و لیبرالیستی، سامان یافته، ارزش‌های اجتماعی را متحول ساخته و دگرگونی گسترده‌ای در شیوه‌های شکل‌گیری هویت دینی افراد و گروه‌ها پدید آورده است.

در مواجهه با این سلطه آشکار در حکمرانی، قاعده فقهی «نفی سبیل» که بسان روحی در قوانین جمهوری اسلامی دمیده شده است، تکالیف گرانی را بر دوش نظام جمهوری اسلامی می‌نهد. این بایسته‌ها عبارت‌اند از:

– ایجاد ساختار «شبکه ملی اطلاعات»؛ شبکه‌ای شکل گرفته از زیرساخت‌های ارتباطی با مدیریت مستقل داخلی که امکان اعمال حاکمیت بیگانگان و نقض استقلال کشور و انواع سلطه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و قضایی را سد کند.

– از دیگر بایسته‌های اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران، حمایت و بسترسازی «فضای مجازی امت اسلامی» یا به عبارت دقیق‌تر، «امت اسلامی سایبری» است. با این توضیح، بنابر قاعده فقهی «اشتراک تکلیف»، بر مسلمانان و بر دولت‌های کشورهای اسلامی واجب است نخست در راستای «نفی سبیل» و از باب مقدمه واجب، برای ایجاد شبکه ملی اطلاعات گام بردارند، و از آن‌رو که نفی سبیل کامل در ساختار و محتوای فضای مجازی متوقف بر هم‌افزایی دولت‌ها و ملت‌های مسلمان است، بر آنان تکلیف است که با هم‌افزایی شبکه‌های ملی اطلاعات و ایجاد محیط مشترک مجازی بر مبنای موازین قرآن و مشترکات فقهی، یعنی ایجاد «فضای مجازی امت اسلامی»، اقدام به تشکیل امت اسلامی سایبری برای نفی سبیل کارآمدتر بیگانگان در ساختار و محتوای فضای مجازی کنند. از مقدمه قانون اساسی و اصول ۵، ۵۷، ۱۰۷ و ۱۷۷ استفاده می‌شود جمهوری اسلامی در حمایت و بسترسازی «فضای مجازی امت اسلامی» مکلف است.

– از بایسته‌های دیگر نظام اسلامی، که برای نفی سلطه در حکمرانی محتوایی فضای مجازی لازم است، می‌توان به ایجاد امکان عرضه انواع محتوا و خدمات ارتباطی با محتوای فرهنگ ایران اسلامی، گسترش سواد رسانه‌ای، اعمال تعرفه تبعیضی مثبت و پالایش فضای مجازی اشاره کرد.

منابع

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
 قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران
 اکبری، ابوالقاسم و اکبری، مینا، ۱۳۹۰، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران، رشد و توسعه.
 پروین، خیرالله، ۱۳۹۳، *مبانی حقوق عمومی*، چ دوم، تهران، سمت.
 جهانگرد، نصرالله، ۱۳۸۳، *مجموعه قوانین و مقررات فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات ایران*، شورای عالی اطلاع‌رسانی.
 جوان جعفری، عبدالرضا، ۱۳۸۵، *جرائم سایبر و چالش‌های نوین سیاست کیفری (مجموعه مقالات همایش جهانی شدن حقوق و چالش‌های آن)*، مشهد، دانشگاه فردوسی.
 حاجی ملامیرزایی، حامد، ۱۳۹۳، «تدوین الگوی خط مشی گذاری فضای مجازی کشور ارائه مدل مفهومی و اعتبار بخشی آن» (رساله دکتری)، دانشگاه تهران، پردیس فارابی.
 حسینی، سیدابراهیم، ۱۳۹۶، *تسریع و تقنین در کشورهای اسلامی (ایران، عربستان و پاکستان)*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 دانایی‌فرد حسن و الوانی، سید مهدی، ۱۳۹۳، *درآمدی بر نظریه‌های مدیریت دولتی*، چ سوم، تهران، علمی و فرهنگی.
 دیوید، بل، ۱۳۸۹، *درآمدی بر فرهنگ سایبر*، ترجمه مسعود کوثری و حسین قمی، تهران، جامعه‌شناسان.
 زرشناس، شهریار، ۱۳۸۷، *مبانی نظری غرب مدرن*، تهران، صبح.
 شریعتی، روح‌الله، ۱۳۹۳، *فقه سیاسی*، چ دوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 شکرخواه یونس و دیگران، ۱۳۹۰، *فضای مجازی (مجموعه مقالات)*، تهران، دانشگاه تهران.
 طاهرزاده، اصغر، ۱۳۸۷، *گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی*، اصفهان، اُلبالمیزان.
 طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، ۱۳۹۰، *حقوق اداری*، چ شانزدهم، تهران، سمت.
 طباطبایی، سیدعلیرضا، ۱۳۹۶، *قواعد فقهی پالیسی فضای مجازی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران (رساله دکتری)*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 عاملی، سید سعیدرضا، ۱۳۹۰، *رویکرد دو فضایی به آسیب‌ها، جرائم، قوانین و سیاست‌های فضای مجازی*، تهران، مؤسسه امیرکبیر.
 عباسی قادری، مجتبی و مرتضی خلیلی کاشانی، ۱۳۹۰، *تأثیر اینترنت بر هویت ملی*، چ دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۸۳، «قاعده نفی سبیل»، *مقالات و بررسی‌ها*، ش ۷۶، ص ۲۳۱-۲۵۳.
 عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۹۰، *قواعد فقه بخش حقوق عمومی*، چ سوم، تهران، سمت.
 قاجار قیونلو، سیامک، ۱۳۹۱، *مقدمه حقوق سایبر*، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
 قاسمی، وحید و صمد عدلی‌پور و مسعود کیان پور، ۱۳۹۱، «تعامل در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تأثیر آن بر هویت دینی جوانان»، *دین و ارتباطات*، ش ۴۲، ص ۵-۳۶.
 کیان‌خواه، احسان و سعید علوی وفا، ۱۳۹۱، *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی دفاع سایبری*، چ دوم، تهران، جهاد دانشگاهی.
 لوهان، مک و مارشال، هربرت، ۱۳۷۷، *برای درک رسانه‌ها*، تهران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صلادوسیمای جمهوری اسلامی ایران.
 مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۱ق، *القواعد الفقهیه*، چ سوم، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین.
 موسوی، سیدمحمدعلی و همکاران، ۱۳۹۰، «بررسی تأثیر شبکه‌های مد روی دانشجویان دختر، مطالعه موردی دانشگاه تهران»، *تحقیقات فرهنگی*، ش ۳، ص ۹۹-۱۱۶.
 موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۴۲۱ق، *کتاب البیع*، چ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

—، ۱۳۶۸، *صحیفه نور*، ج ۲ و ۶ تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

—، ۱۴۲۵ق، *تحریر الوسیله*، چ بیست و یکم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

هایدگر، مارتین و دیگران، ۱۳۸۶، *فلسفه تکنولوژی*، ترجمه شاپور اعتماد، چ دوم، تهران، نشر مرکز.

هچ، ماری جو، ۱۳۹۰، *تنوری سازمان، مدرن، نمادین - تفسیری و پیست مدرن*، ترجمه حسین دانایی فرد، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر.

Akdeniz, Yaman, Waiker, Clive and Wall, David, 2001, *The Internet Law and Society*, s.l.: Longman.

Kapur, A, 2005, *Internet Governace: A Primer; Asia-Pacific Development Information Program; E Primers for the Information Economy*, Society and Polity United Nations Development Program; -Asia-Pasific Development.

Le Floch G, 2005, *Le Sommet Mondial De Tunis Sur La Societe De I Information A.F.D.I.*

Loader, B.D. 1997, *Cyberspace: Politics, technology and global restructuring*, london and New York: Routlege.

Shahan T. D, 2007, *The World Semmit on International Society And the Future of Internet Governace*, Vol X, Comp. L. Rev&Tech.Jpurnal,

Tabatabaei, Seyed Alireza, 2018, "Situational Prevention Policy on Cyber Crime within the Framework of Clark's Techniques with Emphasis on the Legal Systems of Iran and India" *Freedom of Speech and Expression*, Progressive Education Society's, the 19(1) a, p 6- 14.

Von Arx K.G ICANN-Now and Then: ICANNS Reform and its Problem duke L. &Tech.rev.2003 www.law.duke.edu/journals/dltr/articles/pdf/2003DLRT_0007.pdf

<http://www.defence.gov> Department of defence strategy for operating in cyberspace, July 2011, available pdf.

www.khamenei.ir

www.majazi.ir

www.afkarpress.ir

www.itu.int

www.irtf.org

www.ietf.org

www.iab.org

www.internet.society.org

<https://en.unesco.org>